



## تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۳۸	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۱۴
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	حجیت مطلق الظن				
عنوان ۳	مطلب دوم: امتناع یا عدم امتناع جعل حجیت برای ظن				
عنوان ۴	اسباب امتناع جعل حجیت برای ظن				
عنوان ۵	سبب اول: معارضه جعل حجیت برای ظن با قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان و یا حق الطاعة				
عنوان ۶	حل تعارض جعل حجیت با قاعده عقلی بنابر قاعده قبح عقاب بلا بیان				
عنوان ۷	حل تعارض بر مبنای میرزای نائینی <small>رحمته الله</small>				

مرور درس گذشته

بحث ما در امتناع یا امکان جعل حجیت برای ظن بود؛ به عبارت دیگر درباره این بحث می‌کردیم که آیا عدم حجیت برای ظن ضروری است و یا امکان جعل حجیت برای ظن وجود دارد.

گفتیم امتناع جعل حجیت برای ظن به یکی از این دو سبب می‌تواند باشد: یا به سبب امتناع عقلی ذاتی و یا به سبب تعارض و تضادی که بین مؤدای ظن با حکم واقعی در صورت تخلف ظن از واقع پیش می‌آید.

نسبت به مانع اول گفتیم ممکن است چنین گفته شود که جعل حجیت برای ظن هم بر مبنای حق الطاعة با حکم عقل سازگار نیست و هم بر مبنای قاعده قبح عقاب بلا بیان با حکم عقل سازگار نیست. مشکل جعل حجیت برای ظن بنابر حق الطاعة، در طرف معذرت است و بنابر قاعده قبح عقاب بلا بیان، در طرف منجرزیت است.

ما گفتیم بنابر مبنای حق الطاعة مشکل جعل حجیت برای ظن مرتفع است به توضیحی که بیان کردیم و گفتیم که عقل وقتی به حق الطاعة مولا حکم می‌کند، می‌گوید حق الطاعة مولا در جایی است که تکلیف مولا به آن حد از اهمیت برای مولا رسیده باشد که راضی نباشد حتی در صورت احتمال و ظن تکلیف نیز، آن تکلیف ترک شود؛ اما اگر خود مولا به ما فهمانده باشد که این حکم من در حدی از اهمیت نیست که در موارد ظن به خلاف نیز آن را از شما خواسته باشم، حق الطاعة گردن‌گیر عبد نخواهد بود؛ لذا در چنین موردی جعل حجیت برای ظن محذوری ندارد و با حق الطاعة مولوی در تضاد نخواهد بود.

### حل تعارض جعل حجیت با قاعده عقلی بنابر قاعده قبح عقاب بلا بیان

بنابر مبنای قاعده قبح عقاب بلا بیان گفتیم اشکال در جعل حجیت برای ظن، در جعل منجزیت است؛ که اگر ظن بخواهد به وسیله دلیل منجز شود، چون ظن است و بیان علمی نیست، قاعده قبح عقاب بلا بیان جلوی جعل حجیت برای ظن را می گیرد؛ یعنی جعل حجیت برای ظن می گوید در صورت مخالفت با این ظن، عقاب می شوی اما قاعده قبح عقاب بلا بیان می گوید که در صورت عمل نکردن به این ظن، عقاب نمی شوی؛ لذا جعل حجیت برای ظن با حکم عقل به قبح عقاب در تنافی خواهد بود.

### حل تعارض بر مبنای میرزای نائینی

میرزای نائینی رضوان الله تعالی علیه در حل این تعارض بیان نسبتاً مفصلی دارند که خلاصه بیان ایشان را در پنج بند بیان می کنیم:

**بند اول:** این اشکال، در صورتی است که ما جعل حجیت را به معنای جعل منجزیت و معذرت بدانیم یعنی همان که مرحوم آخوند به آن قائل است. مرحوم آخوند حجیت را به معنای منجزیت و معذرت می داند لذا معنای جعل حجیت برای ظن بنابر مبنای ایشان، به معنای جعل منجزیت و معذرت برای ظن است. اما این اشکال بر مبنای ما (میرزای نائینی) وارد نیست که حجیت را به معنای طریقت و واسطه در اثبات می دانیم یعنی ظن، واسطه در اثبات متعلق خودش است.

**بند دوم:** جعل منجزیت و معذرت محال بوده و ممکن نیست؛ لذا تفسیر حجیت به منجزیت و معذرت ممکن نیست؛ زیرا منجزیت و معذرت، حکم عقل است که بر وصول حکم مترتب می شود؛ خواه وصول ثبوت تکلیف و یا وصول نفی تکلیف. همین که تکلیف واصل شد، عقل به استحقاق عقاب بر مخالفت حکم می کند و همین که عدم التکلیف واصل شد، عقل حکم می کند به اینکه این مکلف اگر به این ظن عمل کند، معذور است. این حکم، حکم عقل است و نه قابل جعل شرعی است و نه قابل رفع؛ زیرا قهراً چنین حکم عقلی بر وصول بار می شود.

**بند سوم:** آنچه از سوی مولا قابل جعل است، طریقت و وسطیت در اثبات است. طریقت در اثبات، یک حکم وضعی است که می تواند به وسیله شارع جعل شود، مثل ملکیت و زوجیت که شارع آنها را جعل می کند و می گوید اگر زوجین توافق کرده و ایجاب و قبول خواندند، من رابطه زوجیت را بین زوج و وزجه ایجاد کردم - به سبب ایجاب و قبول با مقدماتش -.

وضع، یعنی یک حالت؛ این حالت گاهی تکوینی است؛ مثل اینکه دیواری رنگ سفید دارد؛ اما گاهی اعتباری است؛ مثل اینکه گفته شود این دیوار، مملوک زید است و یا زید، مالک این خانه است؛ این مالکیت زید نسبت به این خانه، یک امر مجعول شرعی است که این حالت، با جعل و اعتبار به وجود می آید. در اینجا نیز یک اعتبار وجود دارد که از سوی شارع جعل می شود که اعتبار طریقت برای ظن است و به عبارت دیگر ظن را به عنوان «وسطاً للاثبات» جعل می کند و می گوید اگر ظن، قائم بر حکمی شد، آن حکم را من ثابت می داند. اما ایشان (مرحوم میرزا) اسم سببیت را نمی خواهند بیاورند تا با مسلک سبب در جعل امارات اشتباه نشود و برخی از این به علم تبعیدی تعبیر کردند اما خود میرزا اجتناب دارد که چنین تعبیر کند و می گوید طریقت تبعیدی.

ایشان می‌فرماید احکام وضعیه بر دو نوع است: یک نوع از احکام وضعیه، منتزع از احکام شرعی تکلیفی‌اند؛ مثل شرطیت، جزئیت و مانعیت؛ و نوع دیگر از احکام وضعیه، منتزع از احکام نیستند و به طور مستقیم و بدون اعتماد بر جعل حکم شرعی تکلیفی، خود مجعول شارع است؛ جعل حجیت برای ظن، از این نوع دوم است.

**بند چهارم:** بنابر آنچه گفتیم، وقتی برای ظن، جعل طریقت و وسطیت شد، اماره ظنیه‌ای که طریق است - ولو به طریقت تعبدیه - اگر قائم بر تکلیفی شد، آن حکم شرعی واصل خواهد شد؛ زیرا طریقت برای ظن، جعل شده است؛ لذا وصول برای حکمی که ظن بر آن قائم شده است حاصل خواهد شد و وقتی وصول حاصل شود و حکم واصل شود، حکم عقل به منجزیت و معذرت، خود به خود بار می‌شود؛ لذا بنابر میرزای نائینی مشکلی از این ناحیه در جعل حجیت برای اماره ظنیه وجود نخواهد داشت؛ زیرا جعل حجیت برای اماره ظنیه، به معنای جعل طریقت است و وقتی طریقت جعل شد، حکم شرعی مثبت تکلیف، واصل می‌شود و وقتی واصل شد، به این معناست که بیان حاصل است؛ لذا قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری نخواهد شد و استحقاق عقاب بر مخالفت ثابت خواهد بود.

**بند پنجم:** بنابر مبنای مرحوم آخوند در جعل منجزیت و معذرت، همچنان در فرض قیام اماره بر ثبوت تکلیف، قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری می‌شود؛ زیرا با فرض قیام اماره ظنیه بر ثبوت تکلیف، آن تکلیف واصل نیست و وصول محقق نشده است؛ لذا با اینکه اماره ظنیه بر آن تکلیف قائم است، بیان بر تکلیف وجود ندارد؛ زیرا اماره ظنیه، لایان است؛ لذا حکم عقل بر عقاب بر تخلف از این اماره ظنیه بار نمی‌شود. بنابراین وقتی قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری باشد، حکم عقل به قاعده قبح عقاب بلا بیان، از منجزیت چنین اماره‌ای منع می‌کند.

این تقریب مرحوم میرزای نائینی رحمته الله علیه بود که بیان کردیم اما اینکه آیا واقعا مشکل را حل می‌کند یا خیر، در جلسه آینده بیان خواهیم کرد ان شاء الله.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين